
تنش و جاذبه در ترجمه

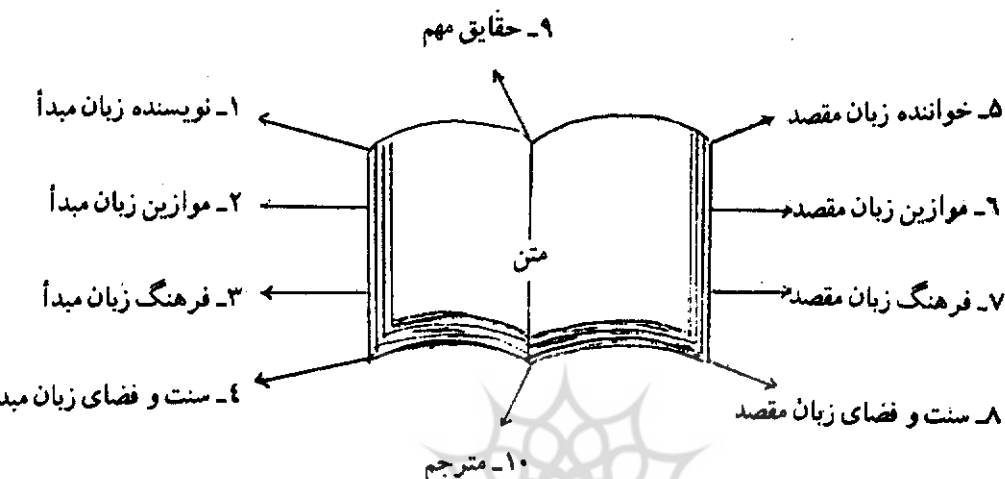
دکتر جلال سخنور
گروه زبان انگلیسی

ترجمه چیست؟ ترجمه اصولاً برگردان متنی است به زبان دیگر بطوریکه گویای منظور نویسنده متن اصلی باشد، هرچند اینکار در همه حال ممکن نیست ولی در نظر همگان ساده می‌نماید زیرا که گمان می‌کنند آدمی باید بتواند مطلبی را به همان خوبی که به زبانی بیان می‌کنند به زبان دیگر نیز بگوید. از طرف دیگر، این عمل ممکن است پیچیده، ساختگی و جعلی بنظر آید، چرا که با عمل ترجمه خود را شخصی وانمود می‌کنید که نیستید. از این رو در انواع بسیاری از متون: از قبیل متون حقوقی، اداری، عامیانه گویش محلی، و فرهنگی، مترجم بر آنست که تا سرحد امکان واژگان زبان مبدأ (SL)^۱ را به زبان مقصد (TL)^۲ انتقال دهد. متأسفانه ترجمه الزاماً نسخه اصلی یا باز آفرین شده متن نخواهد شد. از اینرو وظیفه مهم مترجم برگردان متن است. در جریان برگردان، متن در معرض تنش‌های گوناگون زیر قرار می‌گیرد:

۱- سبک یا لهجه خاص نویسنده متن اصلی: آیا این سبک را چه هنگام باید در ترجمه (الف) حفظ کرد؟ و چه هنگام آن را (ب) تعدیل کرد؟

- ۲- بکارگیری نکات دستوری و لغوی اینگونه متون براساس موضوع و موقعیت.
 - ۳- مطالب و محتویاتی که خصوصاً به فرهنگ زبان مبدأ یا زبان سوم (نه زبان مبدأ و نه زبان مقصد) اشاره دارند.
 - ۴- چارچوب متن که در یک کتاب، مجله، روزنامه و امثال اینها درج شده و متأثر از سنت رایج زمان باشد.
 - ۵- انتظارات خوانندگان موردنظر، با در نظر گرفتن دانش تقریبی آنان از موضوع و سبک زبانی که بکار می‌برند. ملاک، بزرگترین عامل مشترک بین خوانندگان در بیان مطالب است. این بدین خاطر است که مترجم باید در سطح دانش زبانی خواننده ترجمه کند (نه بالاتر و نه پایین‌تر).
 - ۶، ۷، ۸- این موارد همانند ردیف‌های ۲، ۳، ۴ هستند. با این تفاوت که مربوط به زبان مقصد می‌باشد.
 - ۹- آنچه که توصیف، گزارش، ارزیابی و یا تأیید می‌شود. در صورت امکان این عمل باید مستقل از متن زبان اصلی و انتظارات خوانندگان انجام گیرد.
 - ۱۰- نظرات و تعصبات مترجم که شاید شخصی و ذهنی باشد یا اجتماعی و فرهنگی، و در برگیرنده عامل وفاداری مترجم به یک گروه خاص است که می‌تواند نمایانگر طرز تلقی مترجم از مسایل ملی، سیاسی، اخلاقی، مذهبی، طبقه اجتماعی، جنسیت و امثال اینها باشد.
- بدیهی است که بسیاری از تنش‌های دیگر در عمل ترجمه دخیل است: مثلاً
- بین آوا و معنا،
- تأکید (بلحاظ تلفیق کلمات) و طبیعی نمایی (بلحاظ دستور)
 - بین مجاز و معنای لفظی
 - بین کلام پاکیزه و جامعیت
 - بین ایجاز و صحت

شکل زیر عوامل دهگانه متضادی را نشان می‌دهد که فعالیت ترجمه را به جهات گوناگون می‌کشاند :



البته این طرح کامل نیست. اغلب تنشی بین درونه معنایی کلام و صورت ارتباطی آن یا عبارتی بین جنبه معناشناختی و کاربردی وجود دارد مثلاً چه زمان باید جمله فارسی « هوا سرد است » را بصورت "It's cold." ترجمه کنیم و چه موقع بصورت: "I'm cold.", "I'm freezing.", "I'm so cold." و در هر صورت چه زمان جمله با آنچه که دریافت متن معنی می‌دهد مطابقت دارد؟ ظاهراً تمامی آنچه گفته شد ترجمه را امری محال می‌نمایاند اما چنین نیست برعکس هر مطلبی بدون استثناء ترجمه شدنی است و مترجم نمی‌تواند با این حرف که چیزی را نمی‌شود ترجمه کرد از اینکار شانه خالی کند.

دانیلا اسلسکوویچ^۲ که نویسنده و مترجم شفاهی برجسته‌ای است می‌گوید: « هر آنچه به زبانی گفته شده است می‌تواند به زبانی دیگر نیز بیان شود. مشروط بر اینکه فرهنگ هر دو زبان از سطح پیشرفت مساوی برخوردار باشد؟ شرطی که وی قائل می‌شود نادرست و گمراه کننده است. ترجمه ابزاری است برای آموزش و هم چنین وسیله‌ای برای نیل به حقیقت. دقیقاً بدلیل اینکه باید بدست خوانندگانی

برسد که سطح فرهنگی و آموزشی آنان متفاوت یا اغلب پایین تر یا ابتدائی تر، از سطح فرهنگی و آموزشی خوانندگان متن اصلی است.

جوامع «خارجی» ساختارهای زبانی، آداب و رسوم و فرهنگهای خاص خود را دارند. «خارجیان» به شیوه خاص خود اندیشیده و به شیوه خاص خود افکار و احساسات خویش را بیان می‌دارند، اما تمام اینها را می‌توان توضیح داد و ترجمه آخرین چاره کار است. هیچ زبان و فرهنگی چنان «بدوی» نیست که نتوان بعنوان مثال تکنولوژی کامپیوتر را بدان ترجمه کرد. اما اگر ترجمه در زبانی صورت گیرد که در فرهنگش تکنولوژی کامپیوتر نیست، چنین ترجمه‌ای بیشتر بطول می‌انجامد. اگر ترجمه بخواهد دربرگیرنده تمامی نکات موجود در متن زبان مبدأ باشد مستلزم فضای بیشتری در متن زبان مقصد است. بنابراین، درحالیکه ترجمه همواره امکان‌پذیر است شاید بدلائل مختلفی همان اثر متن اصلی را نداشته باشد.

ترجمه هیجان و جاذبه خاص خود را دارد. ارائه ترجمه‌ای قانع‌کننده همیشه ممکن است ولی هرگز مترجمی خوب را قانع نمی‌کند. معمولاً می‌توان آن را اصلاح کرد. کاری بعنوان ترجمه عالی، ایده آل یا «صحیح» هم وجود ندارد. مترجم همیشه سعی در ارتقاء معلومات و اصلاح ابزار بیان خویش دارد، وی همواره در طلب حقایق و واژگان درست است. چنین مترجمی در سطوح چهارگانه زیر تلاش می‌کند:

الف- ترجمه فنی است متضمن آگاهی و پژوهش درباره حقایق و در مورد زبانی که توصیف‌گر آن حقایق باشد. در اینجا می‌توان آنچه را که نادرست است یعنی اشتباهات محض را تشخیص داد.

ب- ترجمه یک مهارت است که نیازمند زبان مناسب و استفاده مقبول از کلام است.

ج- ترجمه یک هنر است که نوشتار برجسته را از آنچه خوب و پاکیزه نیست متمایز می‌سازد و این مرحله از ترجمه یعنی سطح نگارش خلاق که مستلزم نبوغ و یا حتی الهام است.

د- و سرانجام ترجمه امری ذوقی است که در آن جایی برای بحث نیست. سلیقه‌ها میدان می‌یابد، و تنوع ترجمه‌های شایان بیانگر تفاوت‌های فردی مترجمان است.

درباره کاربردهای ترجمه می‌توان از نقش سودمند آن در زمینه‌های زیر سخن گفت:

۱- بعنوان ابزار ارتباطی

۲- در انتقال فرهنگ

۳- یکنی از ابزارهای کمکی زبان آموزی

۴- برای ارضای خاطر مترجم

ترجمه بعنوان ابزار ارتباطی در آگهی‌های چندزبانه، دستورالعمل‌های شرکت‌های صادراتی، تبلیغات جهانگردی، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، گزارش‌های رسمی، پژوهش‌نامه‌ها، مراسلات و کتب تخصصی علمی بکار می‌رود. از دیرباز که کشورها و زبان‌های گوناگون در تماس با یکدیگر قرار گرفته‌اند ترجمه در انتقال فرهنگ کاربرد یافته است و البته شرایط نابسامان موجب ترجمه‌های تحریف شده و غرض‌آلود هم بوده است. بدینسان بود که رومیها فرهنگ یونان را به یغما بردند. مکتب اسپانیایی تولدو^۴ دانش یونان و اعراب را به اروپا انتقال داد و تا قرن نوزدهم فرهنگ اروپا در سطح وسیع از ترجمه‌های لاتین و یونانی بهره می‌برد. در قرن نوزدهم فرهنگ آلمان از راه ترجمه به جذب آثار شکسپیر اشتغال داشت.

در دوران معاصر ادبیات «جهان» که حاصل کار نویسندگانی از ملیت‌های مختلف است رونق یافته است و ترجمه در این رونق نقش ارزنده‌ای دارد. تنی چند ازین نویسندگان که آثارشان به اکثر زبان‌ها ترجمه گردیده است عبارتند از:

گراهام گرین، سال بلو، سلژنیتسین، جورج لوئی بوجس، هنریش بل، گونتر گراس، آلبرتو مورایا، هنریش مان، برتولت برشت، فرانتس کافکا،

فرانسوا موریاک و پل والری^۵.

مخالفت با ترجمه کتاب مقدس در قرون وسطی و میانه و تلاش در حفظ لاتین بعنوان زبان برتر نخبگان و در نتیجه ممانعت از ترجمه آن به زبان‌های دیگر شاهی است بر اینکه ترجمه نه فقط در انتقال فرهنگ بلکه در نیل به حقیقت کاربرد دارد. در یادگیری زبانهای خارجی ترجمه کاربرد مضاعفی دارد. هدف خاص فن ترجمه نمایش تسلط زبان آموز بر زبان خارجی است، ترجمه یکی از ابعاد عملی کاربرد زبان خارجی است و تمرینات ترجمه مهارت کاربردی دانشجویان را بالا می‌برد. این هدف، از کاربرد عادی ترجمه در انتقال معانی و پیام‌رسانی متمایز است. ترجمه‌ای که در دبیرستانهای ایران و در برخی آموزشگاههای زبان کاربرد دارد یعنی روش grammer-translation و متاسفانه آن را قاعده‌ای مسلم فرض می‌کنند که گوئی جای بحث و تردید ندارد اغلب موجب ترجمه‌های بی‌معنی و بلندبالا می‌شود. در ترجمه عبارات محاوره‌ای، اسامی خاص و اصطلاحات این نارسائی‌ها بیشتر متجلی می‌گردد که البته ترجمه‌های نادرست لغت‌نامه‌ها در این آشفتگی‌ها بی‌تأثیر نیست.

جاذبه ترجمه ناشی از هیجانی است که در تلاش برای حل هزاران مسأله کوچک در زمینه مسأله‌ای بزرگ به مترجم دست می‌دهد. لذت ترجمه بیشتر در سرگرمی آن نهفته است تا در جدی بودن مسئولیت ترجمه. پیوسته باید حقایق را بررسی کرد و بدنبال واژگان درست بود و این مستلزم تخیل است. جستجو برای یافتن واژه مناسب خود جاذبه‌ای استثنائی دارد. یافتن واژه‌ای که بدور از دسترس ذهن باشد و بتواند شکاف معنایی بین دو زبان را پر کند نیازمند تکاپو در فرهنگ جامع زبان است. لبخند غرور آمیزی که بر لبان مترجم نقش می‌بندد پاداش تلاش اوست که هر چند قابل قیاس با ارضای انجام کل یک ترجمه پاکیزه نیست ولی ملموس تر می‌باشد. این لذت نشانگر تنش دائمی بین جمله و واژه است.

توضیحات:

1. Source Language.
2. Target Language.
3. Danila Seleskovitch.
4. Toledo school.

۵- گراهام گرین Graham (Henry) Greene داستان‌نویس و نمایشنامه‌نویس انگلیسی.

Bellow, Saul داستان‌نویس آمریکایی که در ۱۹۱۵ در خانواده‌ای از مهاجران یهودی در کانادا متولد شد.

Solzhenitsyn نویسنده ناراضی شوروی

Borges, Jorge Luis شاعر، نویسنده و منتقد آرژانتینی

Boll, Heinrich نویسنده آلمانی برنده جایزه نوبل ۱۹۷۲

Grass, Gunter داستان‌سرا و نمایشنامه‌نویس آلمانی

Moravia, Alberto نویسنده معاصر ایتالیایی

Mann, Heinrich (1871-1950) نویسنده آلمانی

Brecht, Bertolt (1898-1956) نمایشنامه‌نویس آلمانی

Kafka, Franz (1883-1924) نویسنده آلمانی زبان چکسلواکی الاصل

Mauriac, Francois (1885-1970) نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی

Valery, Paul (1871-1945) نویسنده و شاعر فرانسوی